

A Review of Jurisprudential Strategy of Promotion of Good and Prevention of Evil in Reducing Social Injuries; Focusing on Solutions to Revive and Promote this Divine Duty

Thorayya Qanbari Kermanshahi^{1*}, *Seyyed Mohammad Shafi'i Darabi*
(*Mazandarani*)², *'Alireza 'Asgari*²

1. Ph.D Student, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

(Received: February 7, 2021; Accepted: August 29, 2021)

Abstract

The purpose of the religion of Islam is to provide the human's prosperity in this world and the hereafter. Therefore, Allah has provided the human with necessary commands in all areas. If each of these orders and laws are properly and fully implemented, it will lead to the reduction of social injuries. Since promotion of good and prevention of evil set the ground for healthy social education, it is an effective mechanism in preventing social injuries through creating a sense of authority in various social ties. In addition it creates a general sensitivity against sin and prevents deviation. Therefore, many social injuries are spread across the society because these two religious obligations are neglected and the different classes of people feel indifferent and irresponsible against social injuries. This paper, while investigating the role of promotion of good and prevention of evil as a jurisprudential strategy in reducing social injuries, discusses a number of solutions to promote and restore these two divine duties in the community. This study aims at identifying the effect of these two religious obligations in reducing social injuries which will lead to their practicing and promotion. As a result, the abnormalities and deviations in the society will fade and disappear. This research uses descriptive-analytical method and library study to collect data.

Keywords: Promotion of Good and Prevention of Evil, Indifference, Responsibility, Jurisprudence, Social Injuries.

* Corresponding Author, Email: sghk4071@gmail.com

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۸، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱
صفحات ۶۱۱-۵۸۷ (مقاله پژوهشی)

بررسی راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر در کاهش آسیب‌های

اجتماعی با تأکید بر راهکارهای احیا و ترویج این فریضه الهی

ثریا قنبری کرمانشاهی^{۱*}، سید محمد شفیعی دارابی (مازندارانی)^۲، علیرضا عسگری^۳

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده الهیات فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران

۲. استادیار، دانشکده الهیات فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۷)

چکیده

هدف دین مبین اسلام تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان است، بنابراین خداوند برای رسیدن به این مقصود در همه زمینه‌ها دستورهای لازم را در اختیار انسان قرار داده است، و چنانچه هر یک از این دستورها و قوانین به‌طور صحیح و کامل در جامعه نهادینه و اجرا شود، در همان راستا موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود. از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر، زمینه‌ساز تربیت سالم اجتماعی است، با ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در پیوندهای مختلف اجتماعی، در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مؤثر است و نیز با حساسیت عمومی که در برابر گناه دارد، اجازه نمی‌دهد افراد دچار تباهی شوند. از این‌رو بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به این دلیل در جامعه رواج پیدا می‌کند که این دو واجب مغفول می‌مانند و اقشار مختلف مردم در برابر آسیب‌های اجتماعی احساس بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی می‌کنند. در این مقاله ضمن بررسی نقش امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان راهبرد فقهی در کاهش آسیب‌های اجتماعی، راهکارهایی برای ترویج و احیای این دو فریضه الهی در جامعه ارائه می‌شود. هدف این است که اثر این دو واجب الهی در کاهش آسیب‌های اجتماعی شناسانده شود و همین مسئله سبب عمل کردن و گسترش آن در جامعه می‌شود، در نتیجه ناهنجاری‌ها و کجروی‌ها در جامعه کمرنگ و محو می‌شود. برای این منظور از روش توصیفی تحلیلی و از طریق جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای بهره‌برداری شده است.

واژگان کلیدی

آسیب‌های اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، بی‌تفاوتی، فقه، مسئولیت‌پذیری.

۱. مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر مقدمه‌ساز جامعه‌ای سالم و مؤثر در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است و با توجه به واکنشی که در برابر جرم و گناه از خود نشان می‌دهد، مانع سوق پیدا کردن افراد به سوی کجروی و بی‌بندوباری می‌شود، همچنین با این قابلیت اجرایی که دارد، وقتی به نحو صحیح اعمال شود، موجب آرامش و تأمین حقوق اساسی مردم می‌شود، چراکه معروف در تمام اعمال و رفتارهایی که مصلحت مردم در گرو آن قرار دارد، است و منکر نیز در تمام کارهایی که فساد و آسیب‌های اجتماعی را در پی دارد، قرار گرفته است. از این رو هرگاه در جامعه این دو فریضه مهم الهی به اجرا گذاشته شود، ولی افراد نسبت به عمل کردن به این دو امر خطیر احساس مسئولیت نکنند، مرگ و سقوط آن جامعه حتمی خواهد بود.

امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین و کارآمدترین فرایض اسلام و از جلوه‌های نورانی و درخشنده اجتماعی، در دین محسوب می‌شود و اجرای صحیح این راهبرد فقهی سبب گسترش معروفات دینی در جامعه و بازداري از منکرات و اصلاح افراد از مفاسد می‌شود. طبق آیات قران کریم و سیره معصومان(ع) بهترین و مهم‌ترین راهکار برای اصلاح جامعه از انحطاط و آسیب‌های اجتماعی آموزش و عمل به این دو فریضه الهی در بین افراد اجتماع است. از این رو ضروری است برای داشتن جامعه‌ای متوازن و به دور از جرم و گناه و نیز تعمیم بخشیدن خیر و فیض الهی به تمام انسان‌ها نسبت به فرمایش‌های الهی که همواره مصلحت بشر را در دنیا و آخرت تضمین کرده، اذعان کرده است و به منظور رسیدن به جامعه‌ای سالم از این میراث نبوی که همانا امر به معروف و نهی از منکر است، بهره جست. بنابراین با ایجاد نظارت فردی و برخی موارد نظارت عمومی و گروهی جامعه از سوق پیدا کردن به سمت راه خطا حفظ می‌شود.

در این نوشتار سعی شده است تا از طریق واکاوی و تحلیل و منابع فقهی به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که:

راهکارهای احیا و ترویج این دو فریضه در کاهش آسیب‌های اجتماعی چیست؟

۲. مفهوم امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر مانند سایر واژگان دو معنای لغوی و اصطلاحی دارد، اما این دو معنای لغوی و اصطلاحی آن از هم دور نیستند.

۲.۱. معنای لغوی

معروف در لغت از ماده عرف (ضد منکر) به معنای هر چیز پسندیده‌ای است، که نفس آن را می‌شناسد و به آن انس می‌گیرد و آرامش می‌یابد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۵۸۷) و منکر خلاف معروف یعنی هر امری که نفس آن را زشت بشمارد و حرام و ناخوشایند بداند. معروف اسم هر کاری است که حسن آن را عقل و شرع تشخیص دهد و منکر آن است که عقل و شرع آن را انکار می‌کند (ولدیگی، ۱۳۹۶، ج ۴: ۳۹۷).

۲.۲. معنای اصطلاحی

معروف هر کار پسندیده‌ای است که افزون بر خوبی دارای وصف زائد باشد، که یا خود انجام‌دهنده آن را بشناسد یا به آن راهنمایی‌اش کنند و منکر کار زشت و ناپسندی است که یا خود انجام‌دهنده آن را بشناسد یا از طریق دیگران شناخته شود (تقوی یگانه، ۱۳۶۶).

از آنجا که منکر و معروف به فرهنگ وابسته است، عقل هم آن را می‌شناسد، یعنی برخی منکرات در همه فرهنگ‌ها منکرند و برخی معروف‌ها در همه فرهنگ‌ها معروف محسوب می‌شوند. اما برخی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر را باید از طریق شرع شناخت، به همین دلیل کسانی که برخی از مصادیق منکر را انجام می‌دهند و برخی معروفات را ترک می‌کنند و در شناخت آن نیز کوتاهی نکرده و از روی لجاجت نیز سرپیچی نمی‌کنند تا قاصر شناخته شوند، در پیشگاه خداوند معذورند (گلپایگانی: ۶۷). (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰: ۶۷)

۳. مفهوم آسیب‌شناسی اجتماعی

آسیب‌شناسی: مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌ها، ناهنجارها و آسیب‌هایی مانند بیکاری، فقر، خودکشی و... همراه با علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آنها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی‌های اجتماعی است (ستوده، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۴).

۳.۱. مفهوم آسیب‌های اجتماعی

به هر نوع عمل فردی و اجتماعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام، عمل رسمی و غیررسمی جامعه، محل فعالیت کنکاشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و قبح اجتماعی روبه‌رو می‌شود (ستوده، ۱۳۸۳: ۱۷).

۴. علل به‌وجودآورنده آسیب‌های اجتماعی از منظر فقه

قرآن کریم و فرستادگان الهی آفت حاد آسیب‌های اجتماعی را به‌کرات یادآوری کرده و برای مقابله با این آسیب‌ها و انحرافات نیز سیاست‌هایی را بیان کرده‌اند. در این قسمت آسیب‌ها و علل به‌وجودآورنده آن بیان می‌شود. به‌طور کلی آسیب‌های اجتماعی در پنج محور دسته‌بندی شده‌اند:

۱. عدم امنیت جانی، ۲. عدم امنیت در پیوندهای اجتماعی و خانوادگی، ۳. عدم امنیت قضایی، ۴. عدم امنیت روانی و ۵. عدم امنیت اقتصادی.

خداوند در مبحث عدم امنیت جانی به مواردی همچون ظلم و ستم ناروا، نهی از قتل، قتل به ناحق و در مقام انتقام، عدم اسراف در قصاص، قتل فرزندان به‌سبب ترس از فقر و... بیان کرده‌اند، مانند «ولا تقتلوا اولادکم یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر انه کان بعباده خبیرا * ولا تقتلوا اولادکم خشیه املاق نحن نرزقهم و ایاکم ان قتلهم کان خطئا کبیرا * و لا تقربوا الزنا انه کان فاحشه و ساء سیلا * و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق و من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل انه کان منصورا؛ فرزندانان را از بیم تنگدستی نکشید، ما به آنان و شما روزی می‌دهیم، یقیناً کشتن آنان گناهی بزرگ است * و نزدیک زنا نشوید که کاری بسیار زشت و راهی بد است * و کسی که خدا کشتنش را حرام کرده (و به جانش حرمت نهاده) جزء به حق نکشید، و هر کس مظلوم (و به ناحق) کشته شود، برای وارثش تسلطی بر قاتل (جهت خونخواهی دیه و عفو) قرار داده‌ایم، پس وارث مقتول نباید در کشتن زیاده‌روی کند، زیرا او (با قوانین صحیح و درستی چون دیه و قصاص) مورد حمایت قرار گرفته است» (اسراء/ ۳۳-۳۱)، و برای این‌گونه اعمال مجازات سخت در نظر گرفته است. از نظر نویسنده با توجه به اهمیت بالای امنیت جانی برای فرد

و اجتماع، باید گفت امنیت جانی نخستین دغدغه انسان است و اگر انسان احساس امنیت جانی نکند، نمی‌تواند هیچ اقدامی انجام دهد. امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به‌شمار می‌رود، به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد، امنیت جانی زیربنای حیات فرد و جامعه و مقدمه رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی در افراد جامعه محسوب می‌شود، بنابراین مرتفع شدن بسیاری از آسیب‌های اجتماعی در گرو تأمین امنیت جانی فرد و جامعه است، به همین دلیل امنیت جانی و حفظ جان انسان، از ابعاد مهم امنیت است و خداوند در قرآن کریم توجه ویژه‌ای به این موضوع کرده است.

ظلم و ستم در این مبحث به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. ظلم به خود: قرآن کریم هر ترک اولی و هر گناهی را که از انسان سر بزند، نوعی ظلم و ستم تلقی کرده است. برای نمونه «قالا ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخاسرين؛ زمانی که حضرت آدم(ع) و حوا ترک اولی نمودند و از درخت ممنوعه‌ای که امر به دوری از آن شده بود تناول نمودند فوراً به درگاه خداوند متعال استغفار کردند و اظهار داشتند پروردگارا ما به خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نبخشی و به ما رحم نکنی از زیان کارانیم» (اعراف/ ۲۳). از نظر نویسنده فرد نمی‌تواند به بهانه اینکه مسائل خودش مربوط به خودش است، حقوق شخصی‌اش را زیر پا بگذارد و هر کاری که دوست دارد انجام دهد و به جسم و روح خود ضربه وارد کند، مانند آسیب رساندن به بدن خود، کفران نعمت و غیره.

۲. ظلم به مردم و سایر موجودات: خداوند متعال در قرآن کریم درباره این نوع ظلم به گروه‌های زیادی اشاره فرموده‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به مشرکان و متجاوزان از حدود الهی اشاره کرد، مانند «الطلاق مرتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان و لا یحل لکم ان تاخذوا مما آتیتموهن شیئا الا ان یخافا الا یقیمما حدود الله فان خفتم الا یقیمما حدود الله فلا جناح علیهما فیما افتدت به تلک حدود الله فلا تعتدوها و من یتعد حدود الله فاولئک هم الظالمون؛ طلاق (طلاق) که رجوع و بازگشت دارد) دو مرتبه است (و در هر مرتبه) باید

به‌طور شایسته همسر خود را نگهداری کند (و آشتی نماید)، یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود). و برای شما حلال نیست که چیزی از آنچه به آنها داده‌اید پس بگیرید، مگر اینکه دو همسر، بترسند که حدود الهی را بر پا ندارند. اگر بترسید که حدود الهی را رعایت نکنند، مانعی برای آنها نیست که زن، فدیة و عوضی بپردازد (و طلاق بگیرد). اینها حدود و مرزهای الهی است، از آن تجاوز نکنید و هر کس از آن تجاوز کند، ستمگر است» (بقره/ ۲۲۹). به نظر نویسنده می‌توان چنین استنباط کرد که در جوامع بشری همواره عده‌ای به حقوق دیگران تجاوز کرده و از طبقات جامعه سلب آزادی و آسایش می‌کنند و منافع خویش را هرچند در قبال نابودی هزاران نفر، بر هر چیز مقدم می‌دارند؛ آنها سبب محرومیت دیگران از حق طبیعی‌شان می‌شوند. این گروه اگرچه کم هم باشند، نظم حاکم بر جامعه را برهم می‌زنند تا از آب گل‌آلود ماهی بگیرند، البته به تناسب افراد، تفاوت‌هایی نیز در گروه هست. برای مثال بعضی حقوق یک نفر یا یک خانواده یا یک شهر را ضایع یا به نفع خویش بر می‌دارند و برخی هم نظم یک جهان را بر هم می‌ریزند و سبب آوارگی و مرگ میلیون‌ها انسان می‌شوند. بنابراین چون خداوند حدود و مرزها را معین کرده است، افراد نمی‌توانند به بهانه‌ی واهی این مرزها را رعایت نکنند و چنانچه به حدود الهی تجاوز کنند، مؤاخذه و مجازات می‌شوند. مانند استکبار جهانی یا اینکه افراد به بهانه‌ی امور شخصی کار ارباب رجوع را به تعویق بیندازند یا سد معبر کنند، اینها همه از اموری است که موجب ظلم به دیگران و تجاوز از حقوق مردم می‌شود. بنابراین اگر افراد به قوانین الهی احترام بگذارند و حد و حدود الهی را نقض نکنند، موجب کاهش بسیاری از آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

۳. ظلم به قلب و دین: آیاتی که به لجاجت‌کنندگان و تکذیب‌کنندگان پیامبران الهی اشاره دارند، مانند «ولقد جاء هم رسول منهم فکذبوه فاخذهم العذاب و هم ظالمون؛ و به‌یقین فرستاده‌ای از خودشان برایشان آمد اما او را تکذیب کردند پس درحالی‌که ظالم بودند آنان را عذاب فرو گرفت» (نحل/ ۱۱۳). طبق تحلیل اینجانب افرادی که به قلب و دین خود ظلم می‌کنند، دارای صفات تعصب، لجاجت، بهانه‌گیری، خودبرتربینی و

کینه‌توزی نسبت به آیات خداوند و پیامبران الهی هستند. منظور از ظلم به قلب از نظر بنده عدم عاطفه و عقل و حس انسان‌دوستی است نه قلب به‌عنوان همان عضو فیزیکی در بدن انسان. چنین افرادی با زیر پا نهادن عهد و پیمان‌های توصیه‌شده الهی گویی اینکه از پشت به بشریت خنجر می‌زنند، همانند کشورهای که سلاح‌های کشتار جمعی تولید می‌کنند و به‌ظاهر خود را نوع‌دوست و دلسوز نشان می‌دهند، ولی در باطن خوی درنده و وحشی دارند. با توجه به دسته‌بندی‌های مذکور این نکته به‌خوبی دریافت می‌شود که صفات یادشده سبب به‌هم‌ریختگی در جامعه و ایجاد آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

دومین مورد از انواع آسیب‌های اجتماعی نداشتن امنیت در پیوندهای اجتماعی و خانوادگی است. عواملی که سبب خدشه در انسجام درون و بیرون خانواده می‌شود عبارت‌اند از: بی‌عدالتی، قطع رحم، گفتار ناشایست و... مانند «و قل لعبادی یقولوا التی هی احسنان الشیطان ینزغ بینهم ان الشیطان کان للانسان عدوا مبینا؛ و به بندگانم بگو: سخنی را که نیکوتر است، بگویند؛ زیرا شیطان میان آنان (به‌سبب سخنان زشت و بی‌منطق) دشمنی و نزاع می‌افکند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است» (اسراء/ ۵۳). از نظر نویسنده این قسم از اقسام آسیب‌های اجتماعی سبب تمایز حیات انسان و زندگی حیوانات است، چراکه در میان حیوانات نه‌تنها اخلاقیات و احساسات به شکل حیات انسانی وجود ندارد، بلکه آنها برای برطرف کردن غرایض خود از هر روشی درست یا نادرست استفاده می‌کنند (تنازع برای بقا)، اما در زندگی انسان‌هاست که توجه به اخلاقیات و عواطف نوع‌دوستی وجود دارد و آدمی با دیدن ناراحتی هم‌نوع خود تحت تأثیر قرار می‌گیرد، از این‌رو چنانچه افراد جامعه اعمالی همچون بی‌عدالتی، تمسخر، گفتار ناشایست انجام دهد و سبب رنجش سایر هم‌نوعان خود شود، در ظاهر شبیه انسان و در باطن حیوانی بیش نخواهند بود. از طرفی چون خانواده مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است و افراد پیش از ارتباط مستقیم با سایر گروه‌ها و سازمان‌های جامعه، پیوندهای مشترک و وابستگی به یکدیگر را در این نهاد تجربه می‌کنند. چنانچه افراد در محیط خانوادگی از امنیت لازم در پیوندهایشان برخوردار باشند، به افرادی سالم از لحاظ شخصیتی و روانی در جامعه تبدیل

می‌شوند و به تبع این موضوع، میزان آسیب‌های اجتماعی که نشأت گرفته از تربیت غلط، عقده حقارت و غیره که سبب آن محیط ناامن خانوادگی بوده است، کاهش می‌یابد.

سومین مورد عدم امنیت قضایی در جامعه است. از آنجا که امنیت قضایی از اهمیت بسزایی برخوردار است، از این رو اگر این موضوع نادیده گرفته شود یا به درستی اعمال نشود، افراد از حقوق خود برخوردار نخواهند بود و همیشه خود را در معرض اتهام به اعمالی می‌بینند که مرتکب آن نشده‌اند یا در صورت تجاوز به حقوقشان نمی‌توانند دادخواهی کنند و در محاکم به عدالت رفتار نمی‌شود؛ کاملاً واضح است که چنین جامعه‌ای به سعادت و آرامش نخواهد رسید. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماً یعظم به ان الله کان سمیعاً بصیراً؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید خداوند، اندر زهای خوبی به شما می‌دهد خداوند، شنوا و بیناست» (نساء/ ۵۸). از نظر نویسنده هدف از امنیت قضایی، رسیدن به عدالت قضایی است که در چارچوب آن سبب ایجاد حس اعتماد شهروندان به قانون و نظام قضایی می‌شود. زمانی که امنیت قضایی در جامعه وجود داشته باشد، حیثیت، جان، مال و تمامی امور مادی و معنوی اشخاص در حمایت قانون و مصون از تعرض می‌ماند و افراد در آسودگی خاطر و احساس امنیت در تضمین و احقاق حقوق و آزادی‌های خود زندگی می‌کنند و تأمین چنین امنیتی بر عهده حکومت است و در چنین جامعه‌ای میزان آسیب‌های اجتماعی کاهش چشمگیری خواهد یافت.

در موضوع عدم امنیت روانی در قرآن کریم مواردی مطرح شده است؛ از جمله تمسخر، عیب‌جویی، القاب زشت و... منطبق قرآن کریم در چنین زمینه‌هایی این است که تفاوت در رنگ و نژاد و قبیله را وسیله‌ای برای شناخت بهتر یکدیگر می‌داند، نه عاملی برای تمسخر و نژادپرستی و فخرفروشی، همچنان که جایی برای استفاده از القاب زشت نیست، زیرا افراد پس از ایمانشان درون جامعه‌هایی قرار می‌گیرند تا رابطه‌ای برادرانه داشته باشند. از جمله آیه ۱۱ سوره حجرات که می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لایخر قوم من

قوم عسی ان یکنونوا خیرا منهم و لا نساء من نساء عسی ان یکن خیرا منهن و لا تلمزوا انفسکم و لا تنابزوا باللقاب بئس الاسم الفسوق بعد الایمان و من لم یتب فاولئک هم الظالمون؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید گروهی از مردان و زنان شما گروه دیگری را مسخره کنند شاید آنان از اینها بهتر باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارد» (همزه / ۲). همان‌طور که مشاهده شد، در تمام موارد مذکور خداوند انجام چنین اعمالی را نهی کرده است که اگر این نهی‌های قرآنی در جامعه صورت گیرد و ترویج پیدا کند، انسان‌ها از امنیت روانی برخوردار نخواهند بود و در آن جامعه موضوع اعتماد و حریم خصوصی دچار چالش اساسی خواهد شد. از نظر نویسنده خلاقیت و استعداد‌های انسان در سایه امنیت روانی شکوفا می‌شود. اگر انسان در سایه تقوای الهی حرکت کند و با اعمال و رفتار خود موجبات آزار و ناراحتی کسی را فراهم نسازد و در تمام سطوح زندگی خدا را شاهد و ناظر بر اعمال خود ببیند، همواره به امنیت واقعی دست پیدا می‌کند و در سایه امن الهی است که انسان از هر گونه خوف و حزن رهایی می‌یابد. بنابراین اگر افراد از جنبه شخصی غرایضی همچون حرص، تعصبات بی‌جا، خشم، حسادت و... را بتوانند مدیریت کنند و در زمینه اجتماعی نیز حاکمیت به مسئله حفظ حریم شخصی و ارزش فردی توجه کند، انسان‌ها هرگز دچار ناامنی روانی و تکانه‌های روانی نمی‌شوند، از این رو هر جامعه‌ای اگر بخواهد به آسایش و رفاه درونی برسد، باید موجبات امنیت روانی را مهیا سازد و این سبب کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

در موضوع عدم امنیت اقتصادی باید گفت دین مبین اسلام مطالب زیادی را مطرح کرده است، مانند «یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراضنکم و لا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه دادوستدی با تراضی یکدیگر از شما (انجام گرفته) باشد و خودتان را مکشید زیرا خدا همواره با شما مهربان است» (نساء / ۲۹). بنابراین اگر به صورت عادلانه رهنمودهای فقهی در خصوص مسائل اقتصادی در جامعه اعمال نشود،

سبب فاصله طبقاتی روزافزون می‌شود و قشر محروم توسط اغنیا و ثروتمندان به اسارت و بردگی گرفته می‌شوند و ظلم و ستم شدت پیدا می‌کند. از نظر نویسنده امنیت اقتصادی یعنی اموال مردم در امنیت باشد و دولت با رعایت عدالت و انصاف مالیات اخذ کند و امور اقتصادی را انجام دهد. زمانی که در جامعه امنیت اقتصادی وجود نداشته باشد، اشخاص در معاملات خود اعتماد و اطمینانی نخواهند داشت یا همیشه احساس تردید و ناکامی دارند. برای مثال در مسئله احتکار خود بیانگر عدم مدیریت در توزیع عادلانه اجناس است و محتکران اقدام به چپاول سرمایه دیگران می‌کنند، از این رو و هرچه امنیت اقتصادی در جامعه بیشتر باشد، موجبات آسیب‌های اجتماعی همچون فاصله طبقاتی، فقر، خودکشی، سرقت و... کاهش می‌یابد.

۵. مکانیسم امر به معروف و نهی از منکر در کاهش آسیب‌های اجتماعی

همان‌طور که در مکاتب مختلف تربیتی، روش‌های گوناگونی را برای تربیت اشخاص ارائه می‌کند، دین مبین اسلام نیز روش‌های خاصی در قرآن کریم و سنت برای تربیت انسان‌ها ارائه می‌دهد تا با آگاه کردن افراد از خود و جهان اطراف به تربیت همه‌جانبه شخصیتشان بپردازد و جامعه‌ای براساس برادری، برابری، حق و قانون ایجاد کند. راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان سازوکار کنترل و نظارت همگانی در حاکمیت اسلام مطرح شده است تا بتواند اصلاحات درونی و بیرونی را در جامعه حاکم سازد و این اصلاحات با توجه به راهکارهای عملی اسلام بسیار مؤثر در پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی است. از نظر اسلام نظارت و کنترل وظیفه فردی و اجتماعی به حساب می‌آید، فلسفه نظارت در اسلام جلوگیری از طغیان و سرکشی است که به استبداد و ظلم و بی‌عدالتی پایان دهد. نظارت در اسلام عمل آگاهانه‌ای است که هدف از آن سالم‌سازی محیط زندگی، خیرخواهی و رشد و بالندگی است. امر به معروف و نهی از منکر، مکمل فریضه‌هایی چون نماز و زکات است و اغلب در قرآن کریم در کنار اجتماعی بودن این فریضه متداول می‌دانند تا فطرت سلیم آن را روشن سازند. نظارت بر دو نوع است: نظارت بیرونی و نظارت درونی. در نظارت بیرونی حاکمیت راهکارهایی را برای کنترل جامعه در

نظر می‌گیرد و نهادهایی را برای انجام این امر تأسیس می‌کند، مانند نهاد پلیس و نهادهای اطلاعاتی. اما از گذشته تا به امروز تجربه نشان داده است که این نوع نظارت به‌تنهایی نمی‌تواند کنترل و نظارت مؤثر و کافی باشد و سبب اصلاح و رستگاری افراد شود. اما نوع نظارت درونی بیشتر به اصلاح نفس یا همان جهاد اکبر توجه دارد. این نوع نظارت تقابلی را که در نظارت بیرونی وجود دارد، مرتفع می‌کند، چراکه در نظارت بیرونی به دو سبب آسیب‌پذیری وجود دارد، یکی آنکه امکان همدستی میان نظارت‌کننده و نظارت‌شونده وجود دارد؛ همچنین نظارت‌شونده بتواند در اثر مهارت و تجربه‌ای که در عملکرد خود دارد، موضوع را از دید مقام نظارت‌کننده مخفی کند. زمانی که این اتفاق می‌افتد و نظارت‌شوندگان موجب فریب نظارت‌کنندگان می‌شوند، این واقعیت نمایان می‌گردد که تا انسان از درون تربیت نشود و خودش نتواند نفس خود را مهار کند، مهار از بیرون به‌ویژه برای صاحبان قدرت و ثروت و شهرت که از امکانات زیادی برخوردارند، با موفقیت کامل روبه‌رو نخواهد شد (شریعت‌پناهی، ۱۳۸۳). علامه طباطبایی نظارت را این‌گونه بیان داشته‌اند: «قوانین بشری بر اعمال انسان‌ها نظارت دارد نه بر شعور درونی احساسات نهان انسان، درحالی‌که اختلاف، از شعور درونی، خودخواهی و احساسات نهانی سرچشمه می‌گیرد» (قرشی، ۱۳۶۷). نظر ایشان در واقع امر، تأکیدی بر نظارت درونی که در اسلام به آن توجه شده، است. اسلام با نگاه فراگیر خود نظارت را در همه ابعاد مورد توجه قرار داده است تا از حقوق فرد و جامعه به‌نحو شایسته صیانت کند.

حال برای آنکه ستمگران و افرادی که در اعمال خود خدا شاهد نمی‌بینند بر جامعه حاکم نشوند امر به معروف و نهی از منکر باید به‌عنوان مهم‌ترین مکانیسم نظارتی بکار گرفته شود. هر مسلمانی مکلف است تا امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهد و این فریضه منحصر و محدود به افراد خاصی نیست، بلکه همه سطوح جامعه و حتی حاکمان را در برمی‌گیرد. این راهبرد فقهی در سنت ما غالباً به‌صورت " نصیحت ائمه مسلمین " آمده است و بزرگان درباره اهمیت، شیوه و آداب آن بحث‌های فراوانی مطرح کرده‌اند. (سروش محلاتی، ۱۳۷۵: ۱۳۵) چکیده بسیار مهم این بحث‌ها آن است که هر مسلمان مجاز و

مکلف است که حاکمان را خالصانه امر به معروف و نهی از منکر نماید و این فریضه محدود و منحصر به محکومان نیست، بلکه از حقوق یکایک مسلمانان است. امام علی نیز به مالک اشتر توصیه می‌کند تا از بله‌قربان‌گوها بپرهیزد و آنان که زبان تلخ حق‌گویانه به کار می‌برند، به خود نزدیک نسازد. همچنین امام نه تنها به فرمانداران خود توصیه می‌کند که سخن امران را نقدپذیرانه بشنوند، بلکه خود پیشقدم در این کار می‌شود و به مردم می‌گوید: «از گفتن حق یا رأی زدن در عدالت باز نایستید که من نه برتر از آنم که خطا کنم و نه در کار خویش از خطا در ایمنم، مگر که خدا مرا در کار نفس کفایت کند که او از من برمن تواناتر است» (شهیدی، خطبه ۲۱۶). به این ترتیب امام اصل خطاناپذیری و معصومیت حاکم را نمی‌پذیرد و همگان را به نقد عملکرد او فرا می‌خواند. امام علی (ع) اگرچه خود معصوم و مصون از خطاست، در خصوص جایگاه خود سخن می‌گوید و معتقد است که هر کس در مقام امریت قرار گیرد، نیازمند هدایت و امر به معروف دیگران است و نخستین سنگ انحراف زمانی گذاشته می‌شود که حاکم خود را بی‌نیاز از امر به معروف توسط دیگران بداند و بدین روی به مالک توصیه می‌کند: «و مگو که امارت یافته‌ام. پس فرمان می‌دهم و از من اطاعت می‌کنند. که این کار مایه سیاه‌دلی و تباهی دین و نزدیک شدن زوال نعمت‌هاست» (شهیدی، نامه ۵۳).

امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان راهبرد تربیتی اسلام، به تشویق افراد به امور خیر و ممانعت از انجام کارهای نادرست می‌پردازد. اصل اولی در برخورد با تکالیف شرعی طبق اوامر خداوند برخورد تعبدی است و انسان به‌عنوان بنده خدا هرچه را که معبود فرمان می‌دهد، باید انجام دهد و از هرچه که نهی می‌کند، خودداری ورزد. چنین رویکردی در برخورد با این راهبرد گویای عمق و ژرفای بندگی است. در این راهبرد ابتدا افراد باید تحت تربیت دینی قرار گیرند و روح تقوا در جامعه جاری باشد. هر کسی باید وظیفه خود بداند که به قانون الهی و اخلاقی عمل کند، همچنین از خود مراقبه و محاسبه کند، باید هدف انسان قرب به خدای متعال و خشنود کردن او باشد، از این رو چنین انسانی به حدود الهی و قوانین تجاوز نمی‌کند، مرحله دوم این است که افراد نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت کنند. همان‌طور که خداوند

مومنان را برادر یکدیگر می‌خواند، چراکه برادر نسبت به برادر خود احساس مسئولیت دارد، از این رو اصل «کلکم راع و کلکم مسئول» (مجلسی، ۱۳۱۵ ق، ج ۲: ۳۸) همین معنا را به وضوح نشان می‌دهد که همه انسان‌ها در برابر آنچه عهده‌دارش هستند، مسئول‌اند. برای مثال زمامدار و امام مسئول ملت، مرد مسئول خانواده، زن مسئول امور منزل و فرزندان است. همچنین می‌توان چنین استنباط کرد که هر کدام از اهل ایمان در رابطه با آنچه می‌دانند، اگرچه یک کلمه باشد، باید معلم دیگران باشند، یعنی به اهلش برسانند و تبلیغ کنند و از نااهل احتراز و کتمان کنند، نسبت به کلمه‌ای که نمی‌دانند، متعلم باشند. پاسخگویی، مفهوم غربی نیست، اگرچه بعضی‌ها دوست دارند آن را به گونه‌ای نشان دهند که به افکار و مدنیت غربی منسوب شود. نه پاسخگویی یک مفهوم و یک حقیقت اسلامی است، و این همان مسئولیت است. مسئولیت یعنی هر انسانی در هر مرتبه‌ای که هست، در درجه اول از خود سؤال کند و ببیند افکار و گفتار و تصمیم‌گیری او تحت تأثیر چه چیزی بوده است؛ عاقلانه و براساس پرهیزکاری بوده یا خودخواهانه و برای شهوت و اغراض شخصی. اگر انسان توانست وجدان خود را آرام کند و به ندای درونش پاسخ دهد، در مقابل دیگران نیز احساس مسئولیت خواهد کرد. البته واضح است کسی که حیطة وسیعی از زندگی انسان‌ها با قلم و زبان و تصمیم او تحت تأثیر قرار می‌گیرد، مسئولیتش به همان نسبت بیشتر است، و این حقیقت اسلامی است و همه باید به آن پایبند باشند. اگر انسان هنگام صحبت کردن بداند که در برابر سخنش باید پاسخگو باشد، طوری صحبت می‌کند که بتواند به آن عمل کند، ولی اگر بداند مطلق العنان است و پاسخگو نیست، طوری عمل می‌کند که گویی هیچ وظیفه و مسئولیتی در برابر گفته‌های خود ندارد. از این رو مسئولان باید خیلی مراقب حرف زدن و تصمیم‌گیری خود باشند. به همین دلیل امام خمینی (ره) معتقد بودند تمام افراد جامعه در نظام مردم‌سالاری دینی مسئولیت‌پذیر، تکلیف‌نگر و پاسخگوی عملکرد خویش هستند. ایشان یا استفاده از حدیث کلکم راع می‌فرماید: «الآن ما مکلفیم، همه ما مسئولیم نه مسئول فقط برای کار خودمان، مسئول کار دیگران هم هستیم و اگر من پایم را کج گذاشتم شما مسئولید و باید بگویید که چرا پایت را کج گذاشتی... همه باید مراقب باشیم که این مکتب محفوظ بماند» (رجائی، ۱۳۸۷).

نویسنده چنین استنباط می‌کند که در نظام حکومتی ما چون تمامی موضوعات با آموزه‌های دینی پیوند دارد، از این رو یکی از مهم‌ترین این آموزه‌ها مسئله مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن است که پشتوانه و مبانی متقن و محکم قرآنی و روایی دارد و این موضوع بارها از بیانات امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری نیز مطرح شده است. این مطلب از امتیازهای نظام اسلامی و مردم‌سالاری دینی است که مدیران و کارگزاران نظام را در تمام سطوح نسبت به فرایند تصمیم‌گیری و شیوه مدیریت و نتایج و پیامدهای آن شرعاً مسئول و پاسخگو می‌داند. از نظر نویسنده مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی سبب می‌شود تا انسان‌ها براساس ضوابط و مقررات رفتار کنند، مدیران کاستی‌ها را می‌شناسند و جبران می‌کنند، قدرت تصمیم‌گیری براساس نیازها و واقعیت‌ها افزایش می‌یابد، مشارکت‌پذیری مردم در بهبود سیستم مدیریتی آسان‌تر و بیشتر می‌شود، و مردم نیز نسبت به اجرای تصمیمات و ابلاغیه‌های مسئولان احساس وظیفه می‌کنند. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر از طریق نظارت عمومی بر رفتار یکدیگر و با هدف بازداشتن مردم از انحرافات و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در جامعه اعمال می‌شود. همچنین در احادیث و آیات قرآن کریم به وضوح به این موضوع اشاره شده است، مانند «و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون؛ و باید از میان شما گروهی (مردم را) به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگاران‌اند» (آل عمران/ ۱۰۴). همچنین آنچه از مدلول اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برمی‌آید، این است که تحقق امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی ما، ابزاری کارآمد و مهم برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و انحرافات محسوب می‌شود، بنابراین اگر کسی بخواهد برخلاف قانون رفتار کند، نوبت به قوای قانونی و مجازات‌های تعیین‌شده می‌رسد و این زمانی است که تقوای درونی به منظور کنترل مؤثر واقع نشود. بنابراین این آموزه مهم فقهی نه تنها روابط مردم را نسبت به یکدیگر پوشش می‌دهد و هریک از افراد جامعه را در قبال دیگران مسئول و پاسخگو می‌داند، شامل مسئولیت مردم در قبال دولتمردان و متصدیان بخش‌های مختلف حکومت نیز می‌شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۷۹). بنابراین

جامعه زمانی دچار آسیب اجتماعی می‌شود که به راهکارهای اسلام از جمله امر به معروف و نهی از منکر عمل نکند، چراکه با رعایت ارزش‌ها و هنجارهای دینی سبب جلوگیری از رواج و گسترش بدی‌ها و منکرات در جامعه می‌شویم. از آنجا که سازوکار و بازدارندگی امر به معروف و نهی از منکر ناظر بر تلاش‌هایی برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و رفتار ناپسند در جامعه اسلامی است، با بیان و توصیف نقش و آثار این راهبرد فقهی شناساندن آن با روش‌های ساده و در سطح عام جامعه باعث تشویق برای اجرای بهتر و بیشتر این فرمان الهی در جامعه خواهیم شد (ولیدی، ۱۳۸۸). تبیین سازوکار امر به معروف و نهی از منکر در زندگی فردی و اجتماعی سبب سلامت روانی فرد و جامعه می‌شود، چراکه این راهبرد فقهی راهبردی حکمتی و اثبات‌شده در سلامت اجتماعی است. هر گاه فرد به تزکیه و پرورش نفس خویش از طریق فرامین دینی به‌خصوص امر به معروف و نهی از منکر بپردازد، با اصلاح درون خود آغازی مؤثر برای اصلاح اجتماعی را رقم می‌زند و انسان با پرهیزکاری از کارهای زشت و توجه به نکات مثبت انسانی زمینه مناسبی برای رشد و کمال اجتماع و سعادت الهی فراهم می‌سازد.

حال نویسنده با تحلیل منابع فقهی و بیانات ائمه معصومین(ع) به این نتیجه می‌رسد که امر به معروف و نهی از منکر باید در سه حوزه بررسی و تحلیل شود: ابتدا امر به معروف و نهی از منکر در حق‌الله مانند تشویق افراد به انجام وظایف و تکالیف دینی مانند نماز، روزه و...؛ ثانیاً: امر به معروف و نهی از منکر در روابط اجتماعی مردم مانند تشویق افراد به رعایت اخلاق اسلامی و اجتناب از اموری که سبب روابط ناسالم اجتماعی می‌شود و در آخر امر به معروف و نهی از منکر در رابطه مردم و حکومت مانند نصیحت و نقد خیرخواهانه حکومت دینی و تشویق کارگزاران به عدالت اجتماعی و جلوگیری از برخوردها و رفتارهای نامناسب. به همین علت سخن عادلانه و حق در برابر ستمگران جزء بهترین کارهاست، چراکه انسان مسئولیت دارد و به همان اندازه نیازمند نظارت از طرف دیگران بر خودش است، وگرنه طبع اقتدارطلب انسان، او را به دره ژرف قدرت‌پرستی می‌غلتاند و بر اثر بی‌توجهی و سهل‌انگاری افراد به سرنوشت حاکمان سبب به‌وجود آمدن

آسیب‌های فراوان در جامعه و زندگی فردی خود می‌شود. از نظر اینجانب آنچه سبب تمایز حکومت اسلامی و جامعه علوی از دیگر حکومت‌ها می‌شود، حضور گسترده ابزار نظارت و کنترل در جامعه (امر به معروف و نهی از منکر) است. چون این فریضه به قشر خاصی اختصاص ندارد و همگان می‌توانند مسئولانه از آن استفاده کنند، این نظارت را هیچ قانونی نمی‌تواند منع یا محدود سازد یا حاکمی بگوید من مأمورم و معذور. اگر کسی چنین تفکر کند که حکومت یعنی جبر و استبداد، این مسئله سبب فساد دل و خرابی دین و دگرگونی در جامعه می‌شود. دولتی قابل دوام است که به افکار آحاد ملت احترام بگذارد و از خطاها و لغزش‌ها تا آنجا که سبب آسیب به نظم اجتماع است، بپرهیزد. امر به معروف و نهی از منکر به سیستم حکومتی توانایی بالایی می‌بخشد تا به صورت مادام سطح آگاهی‌های مردم، کارایی و قدرت کنترل آنها ارتقا یابد تا به فساد کشیده نشوند و طرز فکر و خواسته‌های مردم از حدود حق و خیر تجاوز نکند و راه نفوذی برای قدرت‌طلبان و سودجویان باقی نگذارد. از این رو با توجه به اهمیت این فریضه تدوین‌کنندگان قانون اساسی، راهبرد امر به معروف و نهی از منکر را به‌عنوان اصول مادر و کلی به‌شمار می‌آورند. در اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، که همانا همین فریضین الهی است، به‌عنوان وظیفه همگانی و متقابل مردم در برابر دولت و دولت نسبت به مردم بیان شده است، چراکه این واجب الهی نقش تعیین‌کننده‌ای در سایر احکام دارد و کامل‌کننده امور و سنگ پایان دستور الهی بوده و رمز رستگاری انسان و جامعه است و همچون آینه‌ای صفات خداوند را در وجود انسان می‌تاباند، زیرا خداوند نخستین امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر است و سبب امنیت بخشی به فرد و جامعه، بقای جامعه، حفظ وحدت، عدالت اجتماعی و اقتصادی، آبادانی و سازندگی، قدرتمندی افراد صالح و تضعیف دشمنان و منافقان می‌شود.

۶. راهکارهای احیا و ترویج فریضه امر به معروف و نهی از منکر در کاهش آسیب‌های اجتماعی

یکی از مسائل و مشکلات پیچیده جوامع کنونی مسلمان، چگونگی اجرا و کاربردی کردن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است. این فریضه مهم متأسفانه به‌طور کافی در

جامعه‌شناسانده نشده و به‌طور شایسته اهمیت و ضرورت آن و نیز شیوه‌های صحیح و مناسب اجرایی شدن این فریضه در جامعه مورد توجه قرار نگرفته است. هرچند شیوه‌های جدید گفتاری و نوشتاری متناسب با امکانات ارتباطی جدید ارائه شده، لیکن رشد سریع رسانه‌ای در جهان و هجوم‌های گوناگون فرهنگی و همه‌جانبه دشمنان و مخالفان، روش‌های مؤثرتری را برای اجرای این فریضه الهی اقتضا می‌کند و ناآگاهی از روش‌های مؤثر اجرای این فریضه چه‌بسا عکس‌العمل منفی در فرد مخاطب ایجاد کند. علی‌ای حال برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی باید هویت آن را که باورها و اعتقادات دینی است، تقویت کرد، لازمه این امر احیای امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان محور فرایض دینی است و برای احیای این دو فریضه بزرگ ضروری است که آن را در قالب اصول برگرفته از تعالیم قرآن کریم و بیانات اولیای دین به شکل جذاب، نو و متفاوت به اجرا درآورد. همچنین وجود پدیده‌هایی همچون بحران هویت، سن ازدواج، آلودگی‌های اخلاقی، مصرف مواد مخدر و... دغدغه ذهن اندیشمندان و دست‌اندرکاران امور اخلاقی، فرهنگی جامعه باشد و در اولویت امور قرار گیرد (موحدی، ۱۳۸۸، ش ۱) شیوه‌ها و راهکارهای مفید به‌منظور ترویج و احیای این واجب عبارت‌اند از:

۱. اولین و مهم‌ترین راهکار به‌منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی، آگاه کردن (آموزش و تبلیغ) همه جامعه و نیروهای انسانی در خانواده است. چون خانواده نخستین و مهم‌ترین محیطی است که در تربیت فرد نقش بسزایی دارد، امر به معروف و نهی از منکر ابتدا باید در محیط خانواده پرورش یابد و رشد پیدا کند و افراد خانواده را انتقادپذیر و منعطف تربیت کند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۲۷۹). فرزندان از اوایل کودکی با معروف خو بگیرند و در شخصیت آنها نهادینه شود همان‌طور که پیامبر مأموریت داشتند تا امر به معروف را از خانواده آغاز کنند، مانند «و امر اهلک بالصلاه و الصطبر علیها لا نسالک رزقا نحن نرزقک و العاقبه للتقوی؛ و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش ما از تو جویای روزی نیستیم ما به تو روزی می‌دهیم و فرجام (نیک) برای پرهیزکاری است» (طه / ۱۳۲). از نظر نویسنده نیز خانواده اولین و مؤثرترین جایگاهی است که مبانی زندگی اجتماعی

و اصول اخلاقی را به انسان می‌آموزد و او را برای ورود به جامعه آماده می‌سازد، زیرا اصول و ارزش‌ها از دوران کودکی آموخته و نهادینه می‌شوند. جامعه مهم‌ترین نهاد جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی است، مطلوبیت، رضایت، خشنودی، کیفیت و کارکرد بهینه خانواده عوامل بسیار مؤثری در رشد و شکوفایی و پیشرفت اعضای خانواده محسوب می‌شوند. کودکان آنچه را که در خانواده فرا می‌گیرند، در ارتباط با مربیان، دوستان و محیط اجتماعی خود به کار می‌برند و حتی ارزش‌گذاری والدین بر گفتار و رفتار مربی و مواد آموزشی، بر تعلیم و تربیت فرزندان مؤثر است. موفقیت والدین، در آموزش اصول اخلاقی و نهادینه شدن ارزش‌ها در فرزندان وابسته به این است که والدین تا چه اندازه به آن ارزش‌ها و اصول پایبند و با یکدیگر توافق داشته باشند، بنابراین با نهادینه کردن معروفات و دوری از منکرات و درونی‌سازی ارزش‌های دینی در خانواده این اجتماع کوچک، اما مهم، نقش بسیار ارزنده‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی ایفا می‌کند.

۲. مدرسه اولین محیط اجتماعی است که کودک پس از خانواده وارد آن می‌شود و ناچار است خود را با قوانین و مقررات آنجا هماهنگ سازد، محیط آموزشی مکانی برای رسیدن به پیشرفت‌های علمی در تمام زمینه‌هاست که دستیابی به این هدف بر پایه معنویت است که براساس زیرساختی دینی و اخلاقی در جامعه آموزشی تحقق می‌یابد. این امر مستلزم آن است که در احیای امر به معروف و نهی از منکر در محیط‌های آموزشی و مدارس از اشخاص متدین و تأثیرگذار که به شکل منطقی و معتدل با مسائل برخورد می‌کنند، استفاده کرد. معلمان و مسئولان در محیط آموزشی به همان اندازه که به موضوعات علمی توجه می‌کنند، باید در زمینه پاسخگویی به مسائل فرهنگی و اخلاقی نیز برنامه‌ریزی دقیق داشته باشند، بدان‌صورت که دانش‌آموزان را همچون فرزندان خود بدانند و در تربیت آنها وظیفه شرعی، اخلاقی و قانونی خود را ایفا کنند. از نظر نویسنده مهم‌ترین وظیفه آموزش و پرورش در تربیت فرزندان ما این است که افزون بر آموزش امر به معروف و نهی از منکر را از همان ابتدایی‌ترین سطوح در مسیر اعمال خود قرار دهد، چراکه این فریضه مهم الهی از واجبات اساسی دین اسلام است که اجرا کردن یا اجرا نکردن آن تأثیر

عمیق و گسترده‌ای بر تمام ابعاد شخصیتی افراد دارد. با آموزش این فریضه کودک از همان ابتدا خوب را از بد تشخیص می‌دهد و اگر مربیان و نظام آموزشی به این موضوع مهم توجه نکنند، کودک از همان ابتدا راه اشتباه و فنا را پیش می‌گیرد، از این رو تأثیرات امر به معروف و نهی از منکر بر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان از اهمیت بسزایی برخوردار است و باید مقدمات و سایل اثربخشی در وصول به آن را فراهم کنیم. مدرسه یک واحد کنترل اجتماعی برای دانش‌آموزان محسوب می‌شود، چراکه به سبب هدف و نظم جامعه آموزشی لازم است مقررات را رعایت کند، از این رو با بسیج و سازماندهی نیروهای آموزش‌دیده، متدین و بانشاط می‌توان در این نهاد مهم تربیتی فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر را به نحو صحیح آموزش داد.

شایان ذکر است در نظام آموزش و پرورش کشور ما محتوای برنامه‌های درسی مدارس از اساسی‌ترین منابع و مرجع یادگیری دانش‌آموزان است و بیشتر فعالیت‌ها در چارچوب برنامه درسی قرار می‌گیرد، پس شاید بتوان گفت اولین گام برای احیای این دو اصل مهم در اسلام طرح مباحث به بیان ساده کاربردی و دلنشین حتی همراه با نمایش و بازی در مباحث دبستان و به مراتب سایر سطوح تحصیلی برای دانش‌آموزان و دانشجویان است (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ش ۱۳۳).

۳. شیوه‌های رسانه‌ای: از آنجا که عصر حاضر عصر ارتباطات جمعی نامیده می‌شود و دلیل آن این است که ارتباطات و اطلاعات انتقال‌یافته از آن ابزار مهمی برای تصمیم‌گیری و تعامل بین انسان‌هاست و موجب هویت‌بخشی و جهت‌دهی به افکار و اندیشه‌ها می‌شود، از این رو چنانچه محتوای رسانه‌ای با این قدرت نفوذی که دارد، متعارض با عقاید دینی و اخلاقی جامعه باشد، سبب ایجاد بحران جدی در جامعه می‌شود، حال با توجه به نقش اساسی و مهم رسانه‌های عمومی اعم از رادیو و تلویزیون و حتی فضای مجازی در زندگی افراد، لازم است امر به معروف و نهی از منکر را در قالب‌های متفاوت نمایشی رسانه‌ای کرد، یعنی محتوای برنامه‌های رسانه‌ای باید مردم را به انجام کارهای نیک که نفع آن به همه می‌رسد و دروی از اعمال بد که موجب ضرر به خود و سایرین می‌شود، دعوت کند،

به گونه‌ای که این برنامه‌ها بسیار دقیق و محاسبه شده باشد و با مسائل و مشکلات روز هماهنگ باشد تا کارکرد مطلوب خود را به‌ویژه در جذب و اقناع مخاطبان در برداشته باشد (نظری‌زاده، ۱۳۹۷). از نظر نویسندگان رسانه‌های جمعی باید یک معضل یا یک مسئله ویژه مطرح کنند و جامعه و مسئولان را در قبال آن به حرکت درآورند. با کشاندن یک معضل و مشکل به رسانه‌ها و درگیر کردن افکار عمومی و ارائه راه‌حل‌های مناسب با آن همچون قابلیت‌های متعدد راهبرد امر به معروف و نهی از منکر به موضوع توجه کنند و سبب حل شدن سریع موضوع و اقناع حس مطالبه‌گری در افراد جامعه شوند، البته این برنامه‌ها به صورت مستمر مثلاً هفته‌ای چند ساعت پخش شود، نه به صورت مقطعی و گذرا باشد، چراکه تداوم و تکرار سبب عادت و درونی شدن مسئله برای افراد می‌شود.

۴. تقویت حس نوع‌دوستی و جامعه‌دوستی و مسئولیت‌پذیری و دعوت به خوبی‌ها و القای این نکته که منافع جامعه همان منافع افراد است و افزایش حس وجدان اجتماعی داشتن. اینها سبب می‌شوند تا جامعه در مسیر اهداف ارزنده الهی قرار گیرد و سعادت دنیا و آخرت انسان را تضمین می‌کند.

۵. افزایش پژوهش‌ها و تحقیقات در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و شناسایی مبدأ انحرافات و ارائه و تبیین شیوه‌های صحیح و مناسب و به‌روز این فریضه مهم در جامعه تا کارایی لازم را به‌همراه داشته باشد.

۶. تأکید بر اصل نظارت اجتماعی و افزایش نظارت و کنترل اجتماعی رسمی همانند حضور پلیس و ابزارهای قانونی و مجازات‌های تعیین‌شده و نیز ابزارهای کنترل غیررسمی مثل ابزارهای اخلاقی و ارزشی و فرهنگی (غفاری‌فر، ۱۳۸۱، ش ۱۷).

۷. نتیجه

در این سطور در پی تقریر اثبات توانایی و انسجام این راهبرد مهم فقهی برای طرح در عرصه اجتماع و به‌کارگیری آن به‌مثابه ابزاری برای کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی بودیم. با توجه به مفهوم راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر از نظر فقه و نقش آن

در تمام مراحل زندگی انسان، می‌توان به این نتیجه رسید که چون نگرش الهی برای هدایت آدمیان به سوی خوشبختی و سعادت ابدی است، بنابراین تمامی دستورهای دین مبین اسلام برای راهنمایی بشر و با هدف جلوگیری از گمراهی و ضلالت است، به همین دلیل تبعیت از آنها نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت اجتماعی و فردی دارد. از این رو هر اندازه که فرهنگ اسلامی آموزش و ترویج داده شود، اعتقادات و باورهای دینی در جامعه قوی‌تر می‌شود و بسیاری از عوامل که سبب آسیب‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، روانی و خانوادگی می‌شود، کاهش می‌یابد.

در مقاله حاضر ضمن شناساندن انواع آسیب‌های اجتماعی و تجزیه و تحلیل راهکارهای مختلف احیا و گسترش راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر در کاهش آسیب‌های اجتماعی، نتایج به دست آمده بدین شرح اعلام می‌شود:

۱. ترویج فرهنگ اسلام و نهادینه کردن آن در جامعه توسط خطبا و گویندگان، ائمه محترم جامعه و جماعات تا مردم با مسائل دین اسلام آگاه شوند و به مسئولیت مهمی که در برابر این واجب الهی دارند، همچنین پیامدهای بد و خطرناکی که در اثر ترک این دو فریضه متوجه فرد و جامعه می‌شود، واقف گردند. ترویج امر به معروف و نهی از منکر سبب کاهش آسیب‌های مختلف اجتماعی می‌شود. نکته بسیار مهم این است که هر اندازه این راهبرد فقهی و الهی از کیفیت بالاتر برخوردار باشد، میزان خودکنترلی در افراد افزایش و به همان اندازه بروز انواع آسیب‌ها کاهش پیدا می‌کند؛

۲. بازسازی و ساختارسازی نهاد متولی امر به معروف و نهی از منکر همچنین ایجاد زمینه‌های قانونی لازم برای حمایت از آمران و ناهیان و ایجاد شبکه‌های تخصصی مربیان امر و ناهی؛

۳. ترویج امر به معروف و نهی از منکر سبب کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: بیکاری، فقر، ربا، کم‌فروشی، تورم و فاصله طبقاتی و... که در نتیجه کاهش آسیب‌های اجتماعی انحطاط اخلاق فردی و اجتماعی در جامعه کم می‌شود و جامعه به سوی نیکی و سعادت پیش خواهد رفت؛

۴. انواع راهکارهای ترویج و احیای این فریضه الهی عبارت‌اند از: تبیین، تبلیغ، ضرورت شناسایی این فریضه مهم الهی با آموزش و تربیت در خانواده، آموزش در مدارس، ترویج در رسانه‌های عمومی و فضای مجازی و تحقیقات تازه در زمینه این واجب الهی به منظور تفهیم هرچه بیشتر مطلب در بین افراد جامعه. من الله التوفیق

کتابنامه

- قرآن کریم .
- نهج البلاغه، نامه ۵۳ و خطبه ۲۱۶، ترجمه شهیدی.
۱. ابراهیمی، طالب (۱۳۹۲). «راهکارهای تقویت و نقش خانواده، مدرسه و جامعه در کاهش آسیب‌های اجتماعی»، *مجله اصلاح و تربیت*، ش ۱۳۳، صفحه ۴۳ تا ۴۸.
۲. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۶). بررسی فقهی مبانی و مصادیق رویکرد آسیب‌های اجتماعی جرم با تأکید بر اعتیاد به مواد مخدر، *فصلنامه علمی و پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۴، صفحه ۱۱۶ تا ۱۴۱.
۳. راغب اصفهانی، حسین ابن محمد (۱۳۸۸). *مفردات الفاظ قرآن*، تهران: چاپ ۴، انتشارات مرتضوی.
۴. رجائی، غلامعلی (۱۳۸۷). *امام به روایت امام (بازشناسی شخصیت امام از زبان خودش)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۶. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۰). *راه اصلاح با امر به معروف و نهی از منکر*، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۸. غفاری فر، حسن (۱۳۸۱). *نظارت و کنترل اجتماعی*، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۱۷، صفحه ۹۰ تا ۱۲۱.
۹. قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۶۵). *قاموس قرآن*، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۳). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، چ دوازدهم، تهران: میزان.
۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۱۵ق). *بحار الانوار*، ج ۷۲، تهران: اسلامیه.

۱۲. محلاتی، سروش (۱۳۷۵). «نصیحت ائمه مسلمین»، مجله حکومت اسلامی، ش ۱، صفحه ۱۸۹-۱۳۵.
۱۳. منوچهری، رحیله و سوده، منوچهری، رمیله، منوچهری، سوده، (۱۳۹۶). *نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از جرم، دومین کنفرانس ملی حقوق، الهیات و علوم سیاسی، شیراز*.
۱۴. موحدی، محسن (۱۳۸۸). «راهبردها و راهکارهای رسانه‌های انس با قرآن در شرایط نرم»، *نشریه مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۵، صفحه ۲۹ تا ۶۴.
۱۵. نظری‌زاده، مرضیه، خلیلیان، محسن، (۱۳۹۷). *تأثیر رسانه در مقبولیت و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، نشریه پژوهش نامه تاریخ، سیاست و رسانه، شماره ۲، صفحه ۲۹۳ تا ۳۰۴*.
۱۶. ولیدی، محمدصالح (۱۳۸۸). «پیشگیری از جرم در آموزه‌های اسلامی»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره ۱۱، صفحه ۲۷ تا ۴۴.
۱۷. ولد بیگی، جهانگیر (۱۳۹۶). *ترجمه المفردات فی غریب القرآن*، کردستان: انتشارات آراس.

References

- The Holy Quran (in Arabic)
- Nahj al-Balaghah, letter 53, Sermon 216, translated by Shahidi. Nahj al-Balaghah Letter 53 Martyr Shahidi Translation (in Arabic)
- Ibid, translated by Shahidi (in Arabic)
- 1. Ebrahimi, Talib (2013). Strategies for strengthening and the role of family, school and society in reducing social harms, *Journal of Correction and Education*, No. 133. (in Persian)
- 2. Ghaffarifar, Hassan (2002). *Journal of Women's Strategic Studies*. (in Persian)
- 3. Ghorashi, Seyed Ali Akbar (1986). *Quran Dictionary*, Tehran, Islamic Library Publications. (in Persian)
- 4. Haji Dehabadi, Mohammad Ali (1396). "Jurisprudential study of the principles and examples of the approach to social harms of crime with emphasis on drug addiction", *Quarterly Journal of Islam and Social Studies*. (in Persian)
- 5. Judge Shariat Panahi, Abolfazl (2004). *Constitutional Law and Political*

- Institutions*, Tehran: Mizan Publications, Ch 12. (in Persain)
6. Manouchehri, Rahileh and Soodeh Manouchehri , Ramileh , Manouchehri , Soodeh (1396). *The role of enjoining the good and forbidding the evil in crime prevention*, Shiraz. (in Persain)
 7. Movahedi, Mohsen (2009). "Strategies and media strategies of Anas with the Quran in soft conditions", *Quran and Hadith Studies*, No. 1 & 5. (in Persain)
 8. Mahallati, Soroush (1996). "Advice of Muslim Imams", *Journal of Islamic Government*, First Issue, Fall 75, pp. 135-189. (in Persain)
 9. Majlisi, Mohammad Baqer (1315 AH). *Baharalanvar*, Vol. 72, Tehran: Islamic Publications. (in Arabic)
 10. Nazarizadeh, Marzieh (1397). *The effect of media on the acceptance and implementation of the commandment of the good and the prohibition of the bad*. (in Persain)
 11. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad (1412). *Quranic Words*, Beirut Publications. (in Arabic)
 12. Rafipour, Faramarz (1999). *Life and Thought of Sociological Elders*, translated by Mohsen Thalasi, Tehran: Scientific Publications. (in Persain)
 13. Rajaei, Gholam Ali (2008). *Imam according to Imam (narration of Imam's personality from his own language)*, Tehran: Institute for Organizing and Publishing Imam Khomeini's Works. (in Persain)
 14. Safi Golpayegani, Lotfollah (2011). *The way of reform by enjoining the good and forbidding the evil*, Qom: Publications of the Seminary Teachers Associatio. (in Persain)
 15. Sotoudeh, Hedayatullah (2004). *Social Pathology*, Tehran: Avae Noor Publications. (in Persain)
 16. Validi, Mohammad Saleh (2009). "Crime Prevention in Islamic Teachings", *Quarterly Journal of Crime Prevention Studies*. (in Persain)
 16. Valad Beigi, Jahangir (1396). *Translation of the words in Gharib Al-Quran*, Sanandaj Publications. (in Arabic)